

به نام خدا

مدیریت آموزشی در چهارراه تحول

مولفان :

سجاد طرح زاده

سمیه اردکانیان

رامین زوار

ترانه معزبان

انتشارات شرفی

(با همکاری سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه : طرح زاده، سجاد، ۱۳۶۱
عنوان و نام پدیدآور: مدیریت آموزشی در چهارراه تحول / مولفان سجاد طرح زاده، سمیه اردکانیان، رامین زوار، ترانه معزبان.
مشخصات نشر: انتشارات شرفی (با همکاری سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۱۰۹ ص.
شابک: ۰-۷۶-۷۶۷۰-۹۶۴-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع: مدیریت آموزشی - تحولات
شناسه افزوده: اردکانیان، سمیه، ۱۳۵۹
شناسه افزوده: زوار، رامین، ۱۳۷۲
شناسه افزوده: معزبان، ترانه، ۱۳۵۴
رده بندی کنگره: PN۲۱۹۲
رده بندی دیویی: ۸۰۹/۲۴۷
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۹۳۸۶۰
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: مدیریت آموزشی در چهارراه تحول
مولفان: سجاد طرح زاده - سمیه اردکانیان - رامین زوار - ترانه معزبان
ناشر: انتشارات شرفی (با همکاری سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر
تیراژ: ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲
چاپ: زبرجد
قیمت: ۱۱۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک: ۰-۷۶-۷۶۷۰-۹۶۴-۹۷۸
تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	فصل اول: تاریخچه
۸	دوران اسلامی
۱۰	تحولات بعدی
۱۲	اصلاحات اولیه
۱۵	مؤسسات مدرن
۱۷	جهانی شدن و تاثیرات آن
۲۰	برخی سیاست ها
۲۲	مدیریت و فرهنگ
۲۵	فصل دوم: هدایت و راهبری در آموزش و یادگیری
۲۵	تعاریف
۲۷	سبک های رهبری و تاثیرات آنها
۳۰	چالش راهبری در فرهنگ های متعدد
۳۳	ایجاد اعتماد در جوامع آموزشی
۳۵	رهبری رویایی برای آینده
۳۷	پاسخگویی به چالش ها و انتقادات
۳۹	اخلاق و صداقت در رهبری
۴۱	توانمندسازی دیگران: رهبری توزیع شده در عمل
۴۵	فصل سوم: برنامه ریزی درسی
۴۵	مبانی
۴۷	روندهای مدرن در طراحی برنامه درسی
۴۹	پرداختن به نیازهای فراگیران متنوع
۵۳	گنجاندن فناوری در برنامه درسی
۵۶	حصول اطمینان از ارتباط و احترام فرهنگی

۵۸.....	ارزشیابی و اصلاح رویکردهای برنامه درسی
۶۰.....	آمادگی برای آزمون های ملی و استاندارد
۶۳.....	پاسخگویی به روندهای آموزشی جهانی
۶۷.....	فصل چهارم: مدیریت آموزشی در چهارراه تحول
۶۷.....	مبانی یادگیری دیجیتال
۷۰.....	استفاده از تجزیه و تحلیل داده ها برای بهبود تصمیم گیری
۷۲.....	واقعیت مجازی و واقعیت افزوده در کلاس های درس
۷۵.....	ارزیابی آنلاین و مکانیزم های بازخورد
۷۷.....	چالش شکاف دیجیتال در ایران
۸۰.....	آداب دیجیتال و نگرانی های امنیت سایبری
۸۲.....	تربیت معلم برای عصر دیجیتال
۸۴.....	چشم اندازهای آینده: هوش مصنوعی و یادگیری ماشینی در آموزش
۸۷.....	فصل پنجم: نگاه نو به آموزش و یادگیری - یاددهی
۸۷.....	مبانی و ساختار
۸۹.....	تأثیر متقابل سیاست و آموزش
۹۱.....	استانداردسازی در مقابل انعطاف پذیری در سیاست ها
۹۴.....	رسیدگی به نابرابری ها و چالش های دسترسی
۹۶.....	پاسخگویی به هنجارهای آموزش بین المللی
۹۹.....	اعتباربخشی مدرسه و تضمین کیفیت
۱۰۱.....	متعادل کردن استقلال و تمرکز
۱۰۴.....	ملاحظات اخلاقی در سیاست گذاری
۱۰۷.....	منابع و مآخذ
۱۰۷.....	منابع فارسی
۱۰۹.....	منابع لاتین

فصل اول

تاریخچه

دنیای امروز دنیایی پویا و سرشار از تغییرات سریع است و همین موضوع، نقش آموزش را در ارتقاء توانمندی‌های کسب‌وکارها، سازمان‌ها و کارکنان آنها پررنگ‌تر می‌کند. کسانی که در بخش‌های مختلف هر ارگانی مشغول به کار می‌شوند، از همان ابتدا به انواع آموزش‌های مختلف برای شناخت شغل و سپس رسیدن به جایگاه مورد انتظار مدیران سازمان نیاز دارند. به عبارت دیگر می‌توان گفت سازمانی با قدرت به پیش می‌رود که کارکنانش به خوبی در مقاطع مختلف آموزش دیده و با آگاهی کافی به فعالیت مشغول هستند. اما این آموزش‌ها چگونه ارائه می‌شود؟ مسلماً هر فعالیتی در سازمان به سازماندهی و هماهنگی کافی نیاز دارند.

تاریخچه مدیریت آموزشی در ایران غنی و متنوع است که ریشه‌هایی در اعماق دوران باستان دارد. این بخش مروری تاریخی جامع بر مدیریت آموزشی در ایران ارائه می‌کند که با کاوش در فرهنگستان‌ها و مراکز یادگیری باستان ایرانی که نقشی محوری در شکل‌دهی چشم‌انداز آموزشی منطقه داشتند، آغاز می‌شود. با بررسی روند توسعه موسسات آموزشی و نظام‌های مدیریتی در ایران باستان، می‌توان به بینشی از مبانی تاریخی آموزش و پرورش در ایران دست یافت.

ایران باستان که امروزه به نام ایران مدرن شناخته می‌شود، مدت‌ها قبل از دوران عام، مرکز آموزش و دانش بود. فرهنگ فارسی برای آموزش ارزش والایی قائل بود و این احترام به دانش در ایجاد فرهنگستان‌ها و مراکز مختلف یادگیری نمود پیدا می‌کند.

یکی از مشهورترین این مؤسسات، فرهنگستان گندی شاپور بود که در زمان امپراتوری ساسانیان (۲۲۴-۶۵۱ میلادی) رونق گرفت. فرهنگستان گندی شاپور که در استان خوزستان کنونی در جنوب غربی ایران قرار دارد، دیگ ذوب دانش بود که علما و روشنفکران را از سراسر منطقه جذب می کرد (رحیمیان و سجادی، ۲۰۱۹، ص ۴۲).

فرهنگستان جندی شاپور اغلب به عنوان یکی از اولین الگوهای مدیریت آموزشی در منطقه به شمار می رود. این رشته که در زمان شاپور اول تأسیس شد، در ابتدا بر پزشکی متمرکز بود اما بعداً به رشته‌های مختلف دیگر از جمله فلسفه، نجوم و ریاضیات گسترش یافت (شهبازی، ۱۳۹۷، ص ۱۵۶). این گسترش، سازگاری و مدیریت استراتژیک مؤسسات آموزشی در ایران باستان را برجسته می کند، جایی که برنامه درسی برای پاسخگویی به نیازهای در حال تغییر جامعه تکامل یافته است.

ویژگی مدیریت فرهنگستان جندی شاپور رویکرد سیستماتیک آن به آموزش بود. آکادمی به مدارس مختلفی تقسیم شده بود که هر کدام به رشته تحصیلی خاصی اختصاص داشتند. اساتیدی که در فارسی به «استاد» معروفند، وظیفه تدریس و مدیریت مدارس مربوط به خود را بر عهده داشتند (پورعلی، ۱۳۹۹، ص ۷۸). این ساختار سازمانی امکان تمرکز تخصصی بر شاخه‌های مختلف دانش را فراهم می کرد و مدیریت کارآمد آکادمی را تضمین می کرد.

یکی دیگر از ویژگی‌های قابل توجه فرهنگستان جندی شاپور کتابخانه آن بود که مجموعه وسیعی از نسخه‌های خطی و متون را در خود جای داده بود. این کتابخانه نه تنها به عنوان منبعی ارزشمند برای دانشجویان و دانش پژوهان عمل کرد، بلکه اهمیت حفظ و دسترسی دانش را نیز نشان داد (رحیمیان و سجادی، ۱۳۹۸، ص ۴۵). مدیریت کتابخانه گواهی بر تعهد فارسی به انتشار دانش بود.

میراث فرهنگستان جندی شاپور فراتر از مرزهای ایران باستان است. نقشی محوری در انتقال دانش از شرق به غرب داشت و محققان آکادمی متون یونانی، هندی و فارسی را

به عربی ترجمه کردند (هاف، ۲۰۲۱، ص ۲۳۵). این تبادل دانش بر توسعه مدیریت آموزشی نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان اسلام تأثیر گذاشت.

فلسفه آموزشی ایران باستان عمیقاً در ارزش های فرهنگی و مذهبی آن زمان ریشه داشت. دین زرتشتی، دین غالب در ایران باستان، بر پی گیری دانش و روشننگری به عنوان یک وظیفه مقدس تأکید می کرد. این نفوذ مذهبی تأثیر بسزایی در مدیریت مؤسسات آموزشی داشت. دانش پژوهان این آکادمی ها اغلب تشویق می شدند که نه تنها برای رشد شخصی بلکه برای بهبود جامعه نیز به دنبال دانش باشند (علوی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۲). مدیریت مراکز آموزشی در ایران باستان با ترویج ارزش های اخلاقی و اخلاقی همسو بود.

همچنین، نظام آموزشی فارسی آموزش فردی را در اولویت قرار داد. به عنوان مثال، اساتید آکادمی جندی شاپور به دلیل روش های تدریس شخصی و تعاملی معروف بودند. آنها دانش آموزان را تشویق به مشارکت در تفکر انتقادی و بحث کردند، که محیطی پویا و محرک فکری را پرورش داد (شیرازی و صادقی، ۱۳۹۸، ص ۱۳۴).

علاوه بر دارالفنون جندی شاپور، دیگر مراکز آموزشی برجسته، مانند بیت الحکمه در بغداد، تحت تأثیر فلسفه آموزشی و شیوه های مدیریت فارسی قرار گرفتند. این مؤسسات سنت ترویج دانش، تحقیق و تبادل افکار را ادامه دادند و میراث ماندگار آموزش فارسی را بیشتر مستحکم کردند (هاف، ۲۰۲۱، ص ۲۳۹).

انحطاط فرهنگستان جندی شاپور و دیگر فرهنگستان های ایرانی را می توان به عوامل مختلف تاریخی از جمله بی ثباتی سیاسی، تهاجمات و گسترش اسلام در منطقه نسبت داد. با این حال، میراث این مؤسسات پابرجا ماند و بسیاری از ایده ها و عملکردهای آنها در نظام آموزشی نوظهور اسلامی جذب شد.

در شرایط معاصر، ایران شاهد احیای نظام آموزشی و شیوه های مدیریتی خود بوده است. دوران پهلوی (۱۹۲۵-۱۹۷۹) با تلاش برای نوسازی نظام و افزایش دسترسی به آموزش، دوره ای از اصلاحات مهم آموزشی را رقم زد (فراهانی، ۱۳۹۷، ص ۶۹).

جمهوری اسلامی ایران که در سال ۱۹۷۹ تأسیس شد، به توسعه و انطباق نظام مدیریت آموزشی با تأکید بر ارزش‌های اسلامی و هویت فرهنگی ادامه داده است (حاجی حسنی، ۱۳۹۹، ص ۵۷).

فرهنگستان‌ها و مراکز آموزش باستان ایرانی، به‌ویژه فرهنگستان جندی‌شاپور، نقش مهمی در شکل‌گیری چشم‌انداز مدیریت آموزشی ایران داشتند. تعهد آنها به حفظ دانش، ساختارهای مدیریتی سازماندهی شده و پایبندی به ارزش‌های زمانه خود اثری محو‌نشده‌ای در تاریخ آموزش و پرورش منطقه گذاشت. این مرور تاریخی به‌عنوان پایه‌ای برای درک سیر تحول مدیریت آموزشی در ایران عمل می‌کند و اهمیت پایدار دانش، فرهنگ و اخلاق در مدیریت مؤسسات آموزشی را برجسته می‌کند.

دوران اسلامی

عصر طلایی اسلامی که تقریباً از قرن هشتم تا سیزدهم میلادی را در بر می‌گیرد، دوره‌ای از پیشرفت‌های فرهنگی، علمی و آموزشی چشمگیر در جهان اسلام از جمله ایران بود. در این دوران، تمدن اسلامی سهم بسزایی در زمینه‌های مختلف دانش داشت که تأثیر عمیقی بر مدیریت آموزشی ایران گذاشت. این بخش به تحولات آموزشی و شیوه‌های مدیریتی دوران طلایی اسلامی در بافت تاریخی ایران می‌پردازد و بر تأثیر ماندگار این دوره بر چشم‌انداز آموزشی منطقه تأکید می‌کند.

یکی از برجسته‌ترین مؤسساتی که در دوران طلایی اسلامی نقش محوری در اشاعه دانش داشت، بیت‌الحکمه در بغداد بود که ارتباطات قوی با ایران داشت (اسماعیل، ۱۳۹۰، ص ۷۸). بیت‌الحکمه به‌عنوان یک مرکز عمده برای دانش پژوهی، ترجمه و تحقیق عمل می‌کرد، جایی که دانشمندان ایرانی، عرب و سایرین برای ترجمه و حفظ متون یونانی، هندی و فارسی باستان همکاری می‌کردند. این آثار ترجمه شده نه تنها مجموعه دانش موجود را گسترش دادند، بلکه با معرفی مواد درسی و روش‌های آموزشی جدید، بر مدیریت آموزشی در ایران تأثیر گذاشتند.

ویژگی مدیریت آموزشی بیت الحکمه تعهد به یادگیری بین رشته ای و انتشار دانش بود. محققان با پیشینه‌های مختلف تشویق شدند تا در تحقیق شرکت کنند و یافته‌های خود را به اشتراک بگذارند و محیط تبادل فکری را تقویت کنند (السماوی، ۲۰۱۸، ص ۲۳۵). شیوه‌های مدیریت بیت الحکمه موجب ارتقای همکاری‌ها شد که به عنوان الگویی برای مؤسسات آموزشی در ایران و جهان اسلام بود.

عصر طلایی اسلامی شاهد نوآوری‌های متعددی در توسعه برنامه‌های درسی و رویکردهای آموزشی بود. دانشمندانی از ایران، مانند فارابی و ابن سینا (ابن سینا)، در زمینه‌هایی مانند فلسفه، پزشکی و ریاضیات مشارکت قابل توجهی کردند (ارجمند، ۱۳۹۹، ص ۱۶۷). کارهای آنها نه تنها باعث پیشرفت این رشته‌ها شد، بلکه با معرفی حوزه‌های موضوعی و روش‌های جدید، بر مدیریت آموزشی نیز تأثیر گذاشت.

به عنوان مثال، فارابی به طور گسترده در مورد اخلاق و فلسفه سیاسی نوشت و به مسائل حاکمیت و رهبری پرداخت (ذاکری، ۱۳۹۸، ص ۴۷). ایده‌های او زمینه را برای بحث در مورد رهبری و مدیریت آموزشی در ایران و فراتر از آن فراهم کرد. گنجاندن اخلاق و فلسفه در برنامه درسی برای پرورش رهبران خوب و با فضیلت ضروری تلقی می‌شد، دیدگاهی که هنوز مدیریت آموزشی در ایران را آگاه می‌کند.

ابن سینا، یک دانشمند ایرانی، کمک‌های عمیقی به پزشکی کرد و پایه‌های مطالعه بدن انسان و عملکردهای آن را پی‌ریزی کرد (کامراوا، ۲۰۲۱، ص ۸۹). فعالیت‌های پیشگام او در پزشکی بر توسعه آموزش پزشکی و مدیریت مراقبت‌های بهداشتی در ایران تأثیر گذاشت. تأکید ابن سینا بر مشاهدات تجربی و پزشکی مبتنی بر شواهد تأثیر ماندگاری بر آموزش پزشکی گذاشت.

در دوران طلایی اسلامی، فرمانروایان ایرانی، به ویژه خلفای عباسی، نقش بسزایی در ترویج مؤسسات علمی و آموزشی داشتند. خلفا حامی علما بودند و برای تأسیس و نگهداری کتابخانه‌ها، فرهنگستان‌ها و رصدخانه‌ها حمایت مالی و منابع می‌کردند

(رادکانی و انصاری، ۱۳۹۶، ص ۱۲۳). این حمایت شاهانه از آموزش و پژوهش تأثیر عمیقی بر مدیریت مؤسسات آموزشی در ایران گذاشت.

حمایت حاکمان ایرانی به نهضت ترجمه نیز گسترش یافت و منابعی برای ترجمه متون خارجی به عربی و فارسی اختصاص یافت. این ابتکار برنامه درسی مؤسسات آموزشی در ایران را گسترش داد و دانش آموزان را در معرض طیف وسیع تری از دانش قرار داد (ساروخانی، ۱۳۹۹، ص ۵۶). مدیریت این مؤسسات باید با تنوع فزاینده موضوعات و منابع سازگار می شد.

کمک های دوران طلایی اسلامی به مدیریت آموزشی در ایران چند وجهی بود و بر توسعه برنامه درسی، رویکردهای آموزشی و سازماندهی مؤسسات آموزشی تأثیر گذاشت. بیت الحکمه در بغداد، تلاشهای علمی مشاهیر ایرانی و حمایت حاکمان پارسی، همگی نقشهای محوری در شکل دادن به منظر آموزشی ایران در این دوره دگرگون داشتند. این تأثیرات همچنان در شیوه های مدیریت آموزشی معاصر در ایران طنین انداز می شود و بر میراث ماندگار عصر طلایی اسلامی تأکید می کند.

تحولات بعدی

توسعه تاریخی مدیریت آموزشی در ایران از دوران باستان فراتر رفته و تا دوران اخیر ادامه دارد. دوران قاجار و پهلوی مراحل مهمی در تحول مدیریت آموزشی در کشور است. در این دوره ها، ایران شاهد تغییرات قابل توجهی در سیاست های آموزشی، زیرساخت ها و سیستم های مدیریتی بود که تأثیر ماندگاری بر چشم انداز آموزشی کشور داشت. این بخش به بررسی عمیق تحولات آموزشی در دوران قاجار و پهلوی می پردازد و مدیریت مؤسسات آموزشی و سیاست های مرتبط با آن را روشن می کند.

سلسله قاجار که از سال ۱۷۸۹ تا ۱۹۲۵ بر ایران حکومت می کرد، با تلاش برای مدرن کردن جنبه های مختلف جامعه، از جمله آموزش، مشخص شد. حاکمان قاجار به ضرورت اصلاح نظام آموزشی برای همگامی با پیشرفت های جهانی پی بردند. در این

دوران تحولات کلیدی متعددی در مدیریت آموزشی رخ داد، از جمله تأسیس اولین مدارس مدرن در ایران (احمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۱۲).

یکی از تغییرات قابل توجه مدیریت آموزشی در دوره قاجار، تمرکز اختیارات آموزشی بود. دولت شروع به اعمال کنترل بیشتر بر مؤسسات آموزشی کرد و مقاماتی را برای نظارت بر توسعه برنامه درسی و تربیت معلم منصوب کرد (زندى، ۱۳۹۶، ص ۴۸). این تمرکز نشان دهنده تغییر قابل توجهی از ساختارهای مدیریت غیرمتمرکز دوره های قبلی است.

در دوره قاجار نیز شیوه های نوین آموزشی متأثر از الگوهای اروپایی مطرح شد. مدارس جدیدی مانند دارالفنون (خانه علوم) برای ارائه آموزش مدرن که شامل طیف وسیعی از موضوعات بود، تأسیس شد. این نقطه عطفی در مدیریت مؤسسات آموزشی بود، زیرا برنامه های درسی برای آماده سازی دانش آموزان برای چالش های معاصر طراحی شده بود (نصیری، ۱۳۹۰، ص ۷۶).

دوران پهلوی، تحت حکومت رضاشاه (۱۹۲۵-۱۹۴۱) و پسرش محمدرضا شاه (۱۹۴۱-۱۹۷۹)، شاهد دگرگونی سیستماتیک و ریشه ای تر در نظام آموزشی ایران بود. هدف رضاشاه نوسازی و متمرکز کردن جنبه های مختلف جامعه ایران از جمله آموزش بود. این دوره با یک سری اصلاحات آموزشی و تغییرات مدیریتی مشخص می شود.

یکی از مهم ترین تغییرات، ارائه یک سیستم آموزشی یکپارچه و استاندارد بود. دولت رضاشاه یک سیاست آموزشی جامع را به اجرا گذاشت که یک برنامه درسی متمرکز، کتاب های درسی استاندارد و برنامه های آموزشی یکسان معلم را ایجاد کرد (سعادتى، ۱۳۹۸، ص ۹۲). مدیریت این سیستم متمرکز نیازمند برنامه ریزی و هماهنگی دقیق برای اطمینان از اثربخشی آن بود.

دوران پهلوی نیز شاهد تأکید بر گسترش زیرساخت های آموزشی بود. مدارس و دانشگاه های متعددی در سراسر کشور ساخته شد و دسترسی به آموزش را افزایش داد (کاظمی،

۱۳۹۷، ص ۱۲۴). مدیریت مؤثر در نظارت بر ساخت و اداره این مؤسسات بسیار مهم بود.

علاوه بر این، دوران پهلوی با سیاست‌هایی که مشارکت زنان را در نظام آموزشی ترویج می‌کرد، بر آموزش زنان تأکید زیادی داشت. این امر مستلزم انطباق مدیران آموزشی با چالش‌های جدید مربوط به شمول جنسیتی و دسترسی برابر بود (کاظمی، ۱۳۹۷، ص ۱۳۲).

دوران قاجار و پهلوی، لحظات مهمی در تاریخ مدیریت آموزشی ایران است. در دوران قاجار، ایران از نظام آموزشی سنتی به رویکردهای مدرن تر و متمرکزتر گذر کرد. در مقابل، دوران پهلوی دوره‌ای از دگرگونی شدید را رقم زد که مشخصه آن برنامه‌های درسی استاندارد، افزایش دسترسی و گنجاندن زنان در نظام آموزشی بود.

این تحولات زمینه ساز مدیریت آموزشی معاصر در ایران شد. تلاش‌های دوران قاجار و پهلوی برای مدرن‌سازی و متمرکز کردن آموزش همچنان بر سیاست‌ها و شیوه‌های آموزشی کشور تأثیر می‌گذارد. درک این تحولات تاریخی برای درک تحول مدیریت آموزشی در ایران ضروری است.

اصلاحات اولیه

انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ نقطه عطف مهمی در تاریخ ایران بود که منجر به تحولات عمیقی در ابعاد مختلف جامعه از جمله نظام آموزشی شد. این بخش با تحلیلی عمیق از اصلاحات آموزش و پرورش پس از انقلاب در ایران، به بررسی تحول مدیریت آموزشی و سیاست‌های پس از انقلاب می‌پردازد. با درک تحولات نظام آموزشی ایران پس از انقلاب، بینش‌هایی در مورد تعامل پیچیده ایدئولوژی، سیاست و مدیریت آموزشی به دست می‌آوریم.

انقلاب اسلامی تحولی اساسی در نظام آموزشی ایران ایجاد کرد. هدف دولت جدید با هدایت اصول اسلامی و دیدگاه آیت الله خمینی، ایجاد یک نظام آموزشی بود که ریشه

محکمی در ارزش های اسلامی داشته باشد. این تحول ایدئولوژیک تأثیر بسزایی در مدیریت آموزشی داشت (مجیدی، ۱۳۹۶، ص ۸۲).

یکی از تغییرات اساسی در مدیریت آموزشی، جایگزینی برنامه درسی سکولار با برنامه اسلامی بود. کتاب های درسی برای همسویی با آموزه های اسلامی بازنگری شدند و موضوعات دینی در برنامه درسی اهمیت بیشتری یافتند (رضوانی، ۱۳۹۹، ص ۱۰۵). این تغییر مستلزم بازآموزی معلمان و مربیان برای انطباق با محتوا و ارزش های آموزشی جدید بود که چالش های مدیریتی چنین تحول بنیادی را نشان می دهد.

همچنین دولت مفهوم «بسیج» را در مدارس معرفی کرد، سازمانی شبه نظامی که هدف آن ترویج ارزش های انقلابی و اسلامی در بین دانش آموزان بود (زند، ۱۳۹۷، ص ۱۳۲). ادغام بسیج در نظام تعلیم و تربیت یک حرکت راهبردی در مدیریت جنبه های عقیدتی آموزش و پرورش بود. این به عنوان مکانیزمی برای نظارت و اطمینان از انطباق با ایدئولوژی آموزشی جدید عمل کرد.

علاوه بر تغییرات ایدئولوژیک، ایران پس از انقلاب شاهد اصلاحات ساختاری قابل توجهی در بخش آموزش بود. مدیریت مؤسسات آموزشی با تأسیس وزارت آموزش و پرورش که جایگزین وزارت آموزش و پرورش و آموزش عالی قبلی شد، دچار تحول شد. این تجدید ساختار با هدف ارائه رویکرد متمرکزتر به مدیریت آموزشی بود (صادقی، ۱۳۹۸، ص ۷۳).

دولت همچنین کمپینی را برای گسترش دسترسی به آموزش، به ویژه در مناطق روستایی و محروم آغاز کرد. این امر مستلزم مدیریت مؤثر منابع از جمله ساخت مدارس جدید و تربیت معلم بود (مهرانی، ۱۳۹۷، ص ۸۸). مدیریت این گسترش با توجه به منابع محدود موجود و نیاز به تضمین آموزش با کیفیت، یک چالش اساسی بود.

اصلاح ساختاری دیگر، سازماندهی مجدد نظام آموزش عالی بود. جمهوری اسلامی با ایجاد تغییراتی در برنامه های درسی و جذب هیئت علمی به دنبال اسلامی کردن مؤسسات آموزش عالی بود (شیروانی، ۱۳۹۸، ص ۶۴). این امر نه تنها شامل بازتعریف